امامان اهل بیت علیهم السلام
در گفتار اهل سنت

داود الهامی




بسم الله الرحمن الرحیم

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت قسمت مربوط به امام محمد باقر علیه السلام

نویسنده:

داود هامی

ناشر چاپی:

مکتب اسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت

مشخصات کتاب

سرشناسه : الهامی، داود، - ۱۳۱۶

عنوان و نام پدیدآور : امامان اهل بیت علیهم السلام در گفتار اهل سنت/ تحقیق و نگارش داود الهامی

مشخصات نشر : مکتب اسلام، ۱۳۷۷.

مشخصات ظاهری : ص ۵۲۸

شابک : ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰-۰۷۱۲۵۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۹۱۵۵۰-۰-۰۷۱۲۵۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : ائمه اثناعشر -- فضائل

موضوع : ائمه اثناعشر -- احادیث اهل سنت

رده بندی کنگره : BP۳۶/۵/الف۷الف ۸

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵

شماره کتابشناسی ملی : م ۷۷-۱۵۹۰۵

فضائل امام باقر

عبدالله بن عطا مکی

یکی از شخصیتهای برجسته و دانشمندان بزرگ عصر امام باقر علیه السلام بود، می گوید: «ما رأیت العلماء عند أحد أصغر علما منهم عند أبی جعفر علیه السلام و لقد رأیت الحکم عنده کأنه متعلم» [۱]. «علماء و دانشمندان را پیش هیچ کس حقیرتر و کم رنگ تر از آنچه در پیش ابوجعفر علیه السلام بودند، ندیدم». «حکم بن عتیبه» را با آن مرتبه ی علی که در میان مردم داشت، در برابر آن جناب همچون کودکی دیدم که پیش روی استاد خود نشسته باشد.

احمد بن تیمیه الحرانی (متوفی ۷۲۸ ه)

بنیانگذار مسلک وهابیت و مؤلف کتاب «منهاج السنه النبویه فی نقض کلام الشیعه» که آن را در رد کتاب «منهاج الکرامه»

علامه ی «حلی» نوشته و در آن از روش انتقاد منطقی منحرف شده و روش فحش و دشنام را در پیش گرفته و خلاف ضروریات دینی را حاوی می باشد چنانکه از کتاب «سبل الهدی» نقل است که در تطهیر اوساخ منکرات این کتاب، آب دریاها کافی نیست. او درباره ی [صفحه ۳۲۶] امام باقر علیه السلام در عبارت کوتاهی چنین می نویسد: «ابوجعفر محمد بن علی من خیار أهل العلم و الدین و قیل انما سمی الباقر لأنه بقر العلم» [۲] . «ابوجعفر محمد بن علی از نخبگان اهل علم و دین است و بدان دلیل که شکافنده ی علوم اسلامی بود، باقر نامیده شده است».

احمد بن محمد ابن خلکان (۶۸۱ – ۶۰۸ ه)

«ابن خلکان» از مشاهیر مورخین و قضات و علمای نامی قرن هفتم هجری و در اصول اشعری و در فروع شافعی مذهب بود و کتاب «و فیات الأعیان و أبناء الزمان» از او است. «ابن خلکان» که با تمام عظمت علمی اش از متعصبین اهل سنت بوده و بیش از حد طریق عصبیت می پیمود، درباره ی امام باقر علیه السلام می نویسد: «ابوجعفر محمد بن زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضی الله عنه؛ الملقب بالباقر. أحد الأئمه الاثنی عشر فی اعتقاد الامامیه و هو والد جعفر الصادق و کان الباقر عالما سیدا کبیرا و انما قیل له الباقر لأنه تبقر فی العلم، ای توسع، و التبقر: التوسع و فیه یقول الشاعر: یا باقر العلم لأهل التقی و خیر من لبی علی الأجبل [۳] . «ابوجعفر محمد بن زین العابدین... ملقب به «باقر» یکی

از ائمه ی دوازده گانه در اعتقاد شیعه ی امامیه و پدر (امام) جعفر صادق علیه السلام می باشد و باقر علیه السلام عالم بزرگ و سید عظیمی بود و به این جهت به او «باقر» گفته می شد که علم را می شکافت و به آن توسعه می داد. [صفحه ۳۲۷] شاعر در وصف او چنین گفته: ای شکافنده ی علم برای پرهیزگاران و ای بهترین کسی که بر کوههای حجاز لبیک گفتی».

عطار نیشابوری (۶۲۷ – ۵۱۳ ه)

«محمد بن ابراهیم» ملقب به «فریدالدین» معروف به «شیخ عطار» از اکابر مشایخ صوفیه و صاحب کتاب «تذکره الأولیاء» است. وی در پایان کتابش با وصف حال حضرت امام باقر علیه السلام به آن حسن ختام بخشیده و چنین می نویسد: «ذکر امام محمد باقر علیه الرحمه؛ آن حجت اهل معاملت؛ آن برهان ارباب مشاهدت؛ آن امام اولاد نبی؛ آن گزیده ی احفاد علی؛ آن صاحب باطن و ظاهر؛ ابوجعفر محمد باقر رضی الله عنه به حکم آن که ابتداء این طائفه از جعفر صادق کرده شد که از فرزندان مصطفی است علیه السلاه و السلام. ختم این طائفه هم بر ایشان کرده می آید. گوین که کنیت او ابوعبدالله بود و او را «باقر» خواندندی مخصوص بود به دقائق علوم و لطائف اشارت و او را کرامات مشهور است به آیات باهر و براهین زاهر و می آرند در تفسیر این آیت که: (فمن یکفر بالطاغوت و یومن بالله) فرموده است که بازدارنده ی تو از مطالعه حق طاغوت است بنگر تا چه محجوبی بدان حجاب از وی بازمانده ی به ترک آن حجاب بگوی که به کشف ابدی برسی و محجوب ممنوع باشد و ممنوعی نباید که دعوی قربت کند. نقل است که از یکی

از خواص او پرسیدند که او شب چون می گذراند گفت: چون از شب لختی برود او از اوراد فارغ شود به آواز بلند گوید: الهی و سیدی شب در آمد و ولایت تصرف ملوک به سر آمد و ستارگان ظاهر شدند و خلائق بخفتند و به نوم درها فرو بستند و پاسبانان بر گماشتند و آنها که بدیشان حاجتی داشتند، فرو گذاشتند. بار خدایا تو زنده و پاینده و بیننده ای. غنودن بر [صفحه ۳۲۸] تو روا نیست. و آن که تو را بدین صفت نداند هیچ نعمت را مقر نیست تو آن خداوندی که رد سائل بر تو روا نباشد، آن که دعا کند از مؤمنان بر درگاهت، سائل را باز نداری. بار خدایا چون مرگ و گور و حساب را یاد کنم چگونه از دنیا بهره ی پس از تو خواهم از آن که تو را دانم و از تو جویم از آن که تو را می خواهم راحتی در حال مرگ بی برگ و عیش در حال حساب بی عفاف این می گفتی و می گریستی تا شبی او را کسی گفت: یا سیدی چند گوئی؟ گفت: ای دوست یعقوب را یک یوسف گم شده چنان بگریست علیه السلام که چشمهایش سفید شد من ده کس از اجداد خود یعنی حسین علیه السلام و قبیله ی او را در کربلا گم کرده ام از آن کی در فراق ایشان دیده ها سفید کنم و این مناجات به عربی بود و به غایت فصاحت. ما ترک تطویل کرده معانی آن را به پارسی آوردیم تا مکرر نشود و به جهت تبرک ختم کتاب را ذکر او کردیم این بگفت و جان به حق تسلیم

کرد رضی الله عنه و عن أسلافه و حشرنا مع أجداده و معه آمین یا رب العالمین..» [۴] .

عبدالله بن أسعد الیافعی (متوفی ۷۵۵ ه)

صاحب کتاب «مرآه الجنان و عبره الیقضان فی معرفه ما یعتبر من حوادث الزمان و تقلب أحوال الانسان» که به تاریخ یافعی معروف است درباره ی امام باقر علیه السلام چنین می نویسد: «ابوجعفر الباقر محمد بن زین العابدین علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب رضوان الله علیهم. أحد الأئمه الاثنی عشر فی اعتقاد الامامیه و هو والد جعفر الصادق علیه السلام، لقب بالباقر، لأنه بقر العلم أی شقه و توسع فیه... و فیه یقول الشاعر: یا باقر العلم لأهل التقی و خیر من لبی علی الأجبل [۵] . [صفحه ۳۲۹] «ابوجعفر باقر محمد فرزند زین العابدین علی فرزند حسین بن علی بن ابیطالب - رضوان خدا بر همه ی آنها باد - یکی از ائمه ی دوازده گانه در اعتقاد امامیه است او پدر جعفر صادق و ملقب به «باقر» بود او را به این جهت «باقر» گفته اند که علم را شکافت و توسعه داد درباره ی او شاعر گوید: ای شکافنده ی علم برای پرهیزگاران و ای بهترین کسی که بر کوههای حجاز لبیک گفتی».

شهاب الدین احمد بن حجر الهیثمی، مصری سعدی (۹۷۳ - ۹۰۹ ه)

دانشمندی شافعی مذهب و بر خلاف «ابن حجر عسقلانی» نسبت به مذهب اهل سنت بسیار متعصب بود و بر همین صدد کتاب «الصواعق المحرقه» را در رد شیعه به رشته ی تحریر کشیده است او درباره ی امام باقر علیه السلام می نویسد: «الامام العظیم؛ المجمع علی جلالته و فضله؛ ورث أباه عباده و علما و زهاده؛ ابوجعفر محمد الباقر؛ سمی بذلک من بقر الأرض أی شقها و أنار مخبئاتها و مکانها؛ فلذلک هو أظهر من مخبئات کنوز المعارف و حقائق الأحکام و الحکم و اللطائف ما لا یخفی الا علی منطمس البصیره أو فاسد الطویه و السریره و من ثم

قیل فیه باقرالعلوم و جامعه شاهر علمه و رافعه؛ صفا قلبه و زکا علمه و عمله و طهرت نفسه و شرف خلقه و عمرت اوقاته بطاعه الله و له من الرسوم فی مقامات العارفین ما تکل عنه السنه الواصفین و له کلمات کثیره فی السلوک و المعارف لا تحتملها هذه العجاله» [۶] . «امام و پیشوای بزرگ که عظمت و فضلش مورد اتفاق همگان است عبادت و علم و زهد را از پدرش به ارث برده است. ابوجعفر محمد باقر علیه السلام به این جهت «باقر» نامیده شده است که گشاینده ی دریچه های دانش و شکافنده ی مشکلات علوم بود. او به اندازه ای گنجهای پنهان معارف و [صفحه ۳۳۰] دانشها را آشکار ساخته و حقائق احکام و حکمتها و لطائف دانشها را بیان نموده که جز بر عناصر بی بصیرت یا بد سیرت پوشیده نیست و برای همین است که وی را شکافنده و جامع علوم و برافرازنده ی پرچم دانش خوانده اند. قلبش روشن و علم و عملش زیاد و نفسش پاکیزه و رفتار و اخلاقش پسندیده بود و عمر خود را در طاعت خدا سپری نمود در مقامات عارفین او را آداب و رسومی است که زبان مداحان و توصیف کنندگان از بیان آن عاجز است و کلمات زیادی پیرامون سیر و سلوک و معارف از او به جا مانده که این مقام گنجایش ذکر آنها را ندارد».

ابوالعباس احمد بن یوسف القرمانی (متوفی ۱۰۱۹ ه ق)

معروف به «احمد بن سنان» دمشقی قرمانی مکنی به «ابوالعباس»، منشی اوقات مکه و مدینه بوده و مؤلف کتاب «اخبار الدول و آثار الأول» که به تاریخ قرمانی معروف است. «إنما سمی الباقر لأنه بقر العلم و قیل: لقب

بالباقر لما روى عن جابر بن عبدالله الأنصارى قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله يا جابر يوشک أن تلحق بولد من ولد الحسين اسمه كاسمى، يبقر العلم بقرا. أى يفجره تفجيرا. فاذا رأيته فاقرأه منى السلام. قال جابر: فاخر الله مدتى حتى رأيت الباقر فاقرأته السلام عن جده محمد صلى الله عليه و آله. و لم يظهر عن أحد من ولد الحسن و الحسين من علم الدين و السنن و علم القرآن و السير و فنون الاداب ما ظهر عن أبى جعفر الباقر عليه السلام روى عنه فى معالم الدين بقايا الصحابه، و وجوه التابعين» [۷] . او را بدان جهت «باقر» ناميدند كه علم را شكافت و گفته شده براى اين ملقب به «باقر» گرديد كه از «جابر بن عبدالله انصارى» روايت شده است از رسول خدا صلى الله عليه و آله كه به او فرمود: تو زنده مى مانى تا فرزندى از فرزندان حسين عليه السلام را كه همنام من است، ديدار كنى او علم دين را به [صفحه ۳۳۱] خوبى مى شكافد آنگاه كه ديدارش كردى، سلام مرا به او برسان. «جابر» گفت: خداوند عمر مرا به تأخير انداخت تا اين كه امام باقر عليه السلام را ديدم و سلام جدش رسول خدا صلى الله عليه و آله را به او رساندم». «قرمانى» مى گويد: «از هيچ يک از فرزندان حسن و حسين عليهماالسلام از علم دين و سنت پيامبر و قرآن و سيره و فنون ادب به مقدارى كه از ابوجعفر باقر عليه السلام به ظهور رسيده است، ظاهر نشده و باقى مانده ى صحابه و بزرگان تابعين از وى نقل حديث كرده اند».

عبدالحى بن العماد الحنبلى (متوفى ۱۰۸۹ ه)

صاحب كتاب

«شذرات الذهب فی أخبار من ذهب» گوید: «کان من فقهاء المدینه، و قیل له الباقر، لانه بقر العلم. ای شقه و عرف اصله و خفیه و توسع فیه و هو أحد الأئمه الاثنی عشر علی اعتقاد الامامیه. و له کلام نافع فی الحکم و المواعظ منه: أهل التقوی أیسر أهل الدنیا مؤنه و أکثرهم معونه، أن نسیت ذکروک و ان ذکرت اعانوک قوامین بحق الله قوالین بأمر الله. و منه: انزل الدنیا کمنزل نزلته و ارتحلت عنه، أو کما اصبته فی منامک فاستیقظت و لیس معک منه شی ء» [۸] . او از فقهای مدینه بود و بدان جهت او را باقر لقب دادند که علم را شکافت و اصول و خفایای آن را آشکار نمود و به آن توسعه داد او یکی از ائمه ی دوازده گانه به اعتقاد امامیه است. سخنان مفید و متین در حکمت و مواعظ از او رسیده است که از جمله آن سخنان زیر است: افراد با تقوی سهل المنال ترین و کم خرج ترین و در عین حال پر فائده ترین مردم دنیا [صفحه ۳۳۲] هستند. و اگر چیزی را فراموش کنی آنها تو را بدان تذکر می دهند و اگر به یاد داشته باشی، کمکت می کنند از حق خدا زیاد سخن می گویند و بر پا دارنده ی امر الهی هستند. و نیز فرموده: دنیا را مانند منزلی بدان که ساعتی در آن توقف کرده و سپس از آن کوچ می کنی یا مانند ثروتی بدان که در خواب بدان رسیده ای و وقتی بیدار می شوی خیری از آن نمی بینی».

عبدالرحمن الشرقاوی (۱۲۲۷ – ۱۱۵۰ ه)

شیخ «عبدالله بن حجازی بن ابراهیم» معروف به «شرقاوی» شافعی شیخ جامع أزهر. مؤلف «ربیع الفؤاد

فی ترتیب صلوات الطریق و الأوراد» درباره ی امام باقر علیه السلام گفته است: «الامام محمد الباقر هو أعلم أهل زمانه بالقرآن و تفسیره و بالحدیث و الفقه» [۹] . «امام باقر علیه السلام أعلم اهل زمان خود به قرآن و تفسیر آن و حدیث و فقه بود».

السید عفیفی از علمای ازهر

«محمد الباقر هو ابن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب، لقب بالباقر لأنه تبقر فی العلم، ای توسع فیه.. و کان عالما کبیرا سید بنی هاشم» [۱۰] . «محمد باقر، فرزند علی بن حسین بن علی بن ابیطالب بدان دلیل به «باقر» ملقب شده است که شکافنده و توسعه دهنده ی علم... و عالم بزرگ و سید بنی هاشم بود». [صفحه ۳۳۳]

محمد بن موسی الدمیری الشافعی (متوفی ۸۰۸ ه)

«دمیری» از اکابر علما و فقهای شافعی است که در تمامی فنون متداول زمان خود مهارتی به سزا داشت و «حیاه الحیوان» از تألیفات اوست. و درباره ی امام باقر علیه السلام می نویسد: «قلیل لمحمد بن علی زین العابدین بن الحسین الباقر، لأنه بقر العلم، ای شقه و دخل فیه مدخلا بلیغا..» [۱۱] . «به محمد بن علی زین العابدین بن حسین «باقر» گفته می شود برای این که علم را شکافت و از راهی رسا به آورد شد».

عبدالعزیز سید الأهل

صاحب کتاب «جعفر بن محمد، الامام الصادق علیه السلام»: «و ما لبث محمد بن علی أن ظهر بالعلم و الزهد و الفضل و السؤود، ثم ما لبث ان تحول الیه الفضل کله، فلم یظهر علی أحد من ولد الحسن و الحسین من علم الدین و السنن و علم القرآن و السیر و فنون الأدب و البلاغه ما ظهر من محمد بن علی ثم تبقر محمد فی العلم و توسع فیه حتی سمی بالباقر و هو لقب لم یسبقه الیه أحد ثم شب فی رعایه أبیه بالمدینه... عالما و زاهدا جوادا. أما علما فقد رأی العلم اغلی من العباده قیمه و أجل قدرا. و أما زهدا فقد کان رأیه فی الدنیا رأی جده علی.. و أما جودا فقد کان مع کثره عیاله و توسط حاله، یجود بما یسد الخله و بما یغنی من الفقر کان یجود بمئات الدراهم و الوفها فاذا رأی المعروف مستوجبا الخروج من المال کله بذل المعروف و لو لم یبق عنده شیئا» [۱۲] . [صفحه ۳۳۴] «محمد بن علی علیه السلام بی درنگ به علم و زهد و فضل و برتری نمایان شد، سپس طولی نکشید که فضیلت و

کمال به تمام معنی به سوی وی تغییر مسیر داد به طوری که ظاهر نشد بر کسی از فرزندان حسن و حیسن علیهماالسلام از علم دین و سنن و علم قرآن و سیره و فنون ادب و بلاغت آنچه که بر محمد بن علی علیه السلام ظاهر شد و سپس آن حضرت علم را شکافت و به آن توسعه داد تا آنجا که «باقر» نامیده شد و این لقبی است که کسی قبل از او بدان لقب ملقب نشده بود و زیر نظر پدرش در مدینه بزرگ شد در علم و زهد و بخشندگی به مقام بلندی رسید. اما از لحاظ علم، او علم را از عبادت گرانبهاتر و ارزنده تر می دانست و اما از نظر زهد، نظرش درباره ی دنیا همان نظر جدش علی علیه السلام بود اما از لحاظ جود و سخاوت، با این که عائله ی زیادی داشت و از لحاظ امکانات مالی متوسط بود، ولی آن قدر سخاوتمند و بخشنده بود که فقیری را از فقر نجات می داد و صدها و بلکه هزاران درهم احسان می کرد و اگر مورد را زیاد مستحق می دید، هر چه در توان داشت، احسان می نمود».

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی

در شرح صلوات امام باقر علیه السلام می نویسد: «اللهم صل و سلم علی الامام الخامس، الطیب الطاهره النور الباهره؛ السیف الشاهر؛ البدر الزاهر؛ العزیز القادر؛ الغالب القاهر؛ حارز المزایا و المأثر، صاحب المناقب و المفاخر؛ جامع الواح العلوم بلا تکسب الدفاتر؛ محیی معارف النبی الفاخر؛ وارث الامامه کابرا عن کابر؛ أبی جعفر محمد الباقر؛ العبد الصالح؛ ابن زین العابدین علی علیه السلام؛ وارث النبی الشفیع؛ و الوصی المنیع المقبور مع أبیه بالبقیع». «امامت امام باقر علیه السلام به نص امام

زین العابدین ثابت شده و به آیاتی که دلالت بر امامت او می کند و آن حضرت را القابی است «الطیب الطاهره» اشاره به عصمت آن حضرت که از لوازم امامت است «النور الباهره» او نور روشن است و اشاره به انکشاف باطن و اطلاع آن حضرت از امور مغیبه، به تعلیم الهی که از اوصاف ائمه است». [صفحه ۳۳۵] یکی از محبان اهل بیت روایت کرده که وقتی از دروازه ی بقیع بیرون رفتم متوجه «عوالی» مدینه بودم که خرما به سلم بخرم در بیرون دروازه، امام محمد باقر علیه السلام را دیدم که از «عوالی» باز می گشت و به شهر می رفت. گفتم: السلام علیک یابن رسول الله، جواب سلام داد و فرمود: به کجا می روی؟ گفتم: به عوالی می روم خرما به سلم بخرم. فرمود: امسال از ملخ ایمن شده اید. این سخن فرمود و به شهر رفت من آمدم خرما به سلم خریدم. چون وقت خرما شد، ملخ آمد و هر چه سبز بود تمامی بخورد و این از آیات علوم غیبیه بود که از نور باطن آن حضرت ظاهر شد [۱۳] . شخص دیگری روایت کرده که یکبار در وسط روز از مدینه به قبا می رفتم حضرت امام محمد باقر علیه السلام را دیدم که از زراعت باغ خود باز می گشت و بدن مبارک آن حضرت سنگین بود و عرق می ریخت و بر دو غلام تکیه فرموده بود. از خاطرم گذشت که مردی بزرگ از اکابر بنی هاشم جهت حرص بر دنیا در روزی چنین گرم زحمت می کشد، چون این معنی از خاطرم خطور کرد، مرا پیش خود طلبید و فرمود: (ان بعض الظن اثم) ما جهت انفاق بر

ضعفا و مساکین این چنین زحمت می کشیم نه به جهت حرص بر دنیا. گفتم: ای پسر رسول خدا! توبه می کنم و او توبه ی مرا قبول فرمود [۱۴] «السیف الشاهر» شمشیری است کشیده بر دشمنان. اشاره است به کمال علم و حجت آن حضرت، و یا اشاره است به صلابت آن حضرت در دین، و آن که او بر دشمنان خدا شمشیر کشیده بود و لذا «حجاج بن یوسف» و «عبدالملک مروان» هر چند قصد آن حضرت کردند، مغلوب شدند. «البدر الزاهر» او مانند ماه شب چهارده روشن است. اشاره به جمال آن [صفحه ۳۳۶] حضرت است چنانچه روایت کرده اند که روی مبارک آن حضرت همچون ماه می درخشید. «العزیز القادر»؛ «الغالب القاهر». او عزیز و توانا و غالب و فائق بر اعداء است. در روایت صحاح آمده که حضرت امام محمد باقر علیه السلام به مجلس «حجاج» - علیه اللعنه و العذاب - رفت و حجاج در همه ی علوم از آن حضرت سؤال کرد تا آخر پرسید که بدترین قبائل عرب کدام قبیله اند؟ آن حضرت فرمود: قبیله ی تو که ثقیف است و حجاج را سرزنشها کرد و ظلم و جور او را با او باز گفت و بر حجاج غالب آمد. «حارز المزایا و..» آن حضرت جامع مزیت ها و بزرگی هاست که اثر آن در دنیا باقی است و صاحب منقبتها و فخرهاست که در عالم مشهور و مذکور است. و این اشاره به مناقب حسبی و نسبی آن حضرت است که ذات شریفش را حاصل بوده. «جامع الواح العلوم..» جامع لوح های علوم است بی آنکه متحمل زحمت کسب علم از دفترها شود. این اشاره است به کمال

علم آن حضرت. «جابر بن عبدالله» رضی الله عنه روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: تو یکی از فرزندان مرا درخواهی یافت که نام او موافق نام من باشد و او شکافد علم را شکافتنی و او را بدین جهت باقر لقب شده و معنی باقر شکافنده است. دیگر آن حضرت به «جابر» فرمود: چون او را ببینی سلام مرا به او برسان و در صحیح مسلم به اسناد خود روایت کرده که از حضرت امام محمد بن علی باقر علیه السلام که او فرمود: من با جماعتی پیش «جابر بن عبدالله انصاری» رفتم و او بسیار پیر شده بود و چشم او پوشیده، از هر یک می پرسید که تو چه کسی هستی؟ تا نوبت به من رسید پرسید تو چه کسی هستی؟ گفتم: من محمد بن علی بن الحسین ام، بسیار خوشوقت شد و گفت: خوش آمدی ای برادرزاده ی [صفحه ۳۳۷] من، و مرا پیش طلبید و چون گره بر سینه ی من بود باز گشود دست مبارک بر سینه ی من مالید. گفتم: مرا خبر ده از حج پیغمبر صلی الله علیه و آله پس حدیث حج را تمام از برای من باز گفت آن حدیث بسیار طولانی است و تمامی در صحیح مسلم از روایت امام محمد باقر علیه السلام که از «جابر بن عبدالله انصاری» روایت فرمود، ثابت است [۱۵] . علمای حدیث و ائمه ی فقه، بسیار فوائد علوم از آن حدیث مبارک استنباط فرموده اند. «محیی معارف النبی..» احیاء کننده ی معارف پیامبر صلی الله علیه و آله و صاحب فخر و شرف. و این اشاره است بدان که

دقائق علوم و معارف رسول خـدا صـلی الله علیه و آله در دوران امامت آن حضـرت تازه شد مردم از آن فائده ها بردند چنانکه گفته انـد از ائمه ی تابعین هیـچ کس را آن مقـدار روایت و درایت نیست که آن حضـرت را بود. آن حضـرت صاحب میراث امامت است از بزرگ به بزرگ، یعنی از پـدران بزرگ آن حضـرت میراث امامت به ارث برده. یعنی پـدران آن حضـرت همه امـام بوده انـد. کنیت او ابوجعفر و لقبش باقر است که پیامبر کرم صـلی الله علیه و آله این لقب را به او داده و عبدصالـح هم از القـاب اوست. او وارث پیغمبر شـافعت کننـده و وصـی صاحب عزت و مناعت است و او با پـدرش مـدفون در بقیع است و آن صندوق مطهر که رشک صندوق آسمان و مخزن جواهر حکمت و ایمان است، بر بالای ایشان نهاده اند و ابواب رحمت از آن قبه ی مقدسه بر عالم گشاده اند. «اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سـیدنا محمد سـیما الامام الطهر الطاهر محمد الباقر و سلم تسلیما» [۱۶] . [صفحه ۳۳۸]

درویش حسین کربلائی تبریزی (م ۹۴۴)

دربـاره ی امـام باقر علیه السـلام می گویـد: «ذکر الامام الهمام؛ قمر الأقمار؛ و نور الأنوار؛ و سـید الأبرار؛ و قائـد الأخیار؛ الامام الباقر؛ و الطهر الطاهر؛ و النجم الظاهر؛ و البحر الزاخر؛ السـید الوجیه و الامام انبیه؛ المـدفون عنـد أبیه؛ الحبر الملی عنـد العـدو و الولی؛ ابی جعفر محمد بن علی». وی امام پنجم است از ائمه ی اثنی عشـر «المعروف بالباقر، سـمی بذلک لأنه بقرالعلم أی شقه فعرف اصله و علم خفیه. و تبقر فی العلم ای توسع و بقر عن العلوم: فتش عنها» و مادر وی ام عبدالله

بنت الحسن بن علی بن ابیطالب است. «و هو أول علوی ولد بین علویین، تابعی جلیل؛ امام بارع؛ مجمع علی جلالته؛ معدود فی فقهاء المدینه و ائمتهم...». و فی کتاب «کشف المحجوب» حضرت امام باقر علیه السلام مخصوص بود به دقائق علوم و لطائف اشارات اندر کتاب خدای عزوجل، وی را کرامات مشهور است و آیات ازهر و براهین انور گویند که: ملکی وقتی قصد هلاک وی کرد کس فرستاد تا وی را حاضر کردند چون به نزدیک وی درآمد از وی عذر خواست و هدیه داد و به نیکوئی باز گردانید. چون وی برفت، گفتند: ایها الملک قصد هلاک وی داشتی اکنون تو را با وی دیگر گونه دیدیم چه حال بود؟ گفت: چون وی به نزدیک من درآمد دو شیر دیدم یکی بر راست و دیگر بر چپ وی، مرا می گفتند که: اگر تو قصد وی کنی ما تو را هلاک کنیم. و از وی روایت کنند که وی گفته: اندر تفسیر قول خدای عزوجل (فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن بالله) قال: کل من شغلک عن مطالعه الحق فهو طاغوتک. باز دارنده ی تو از مطالعه ی حق طاغوت تو است. نگر تا به چه چیز محجوبی، بدان حجاب از وی باز مانده ی ترک آن حجاب بگوی تا به کشف ابد برسی، محجوب ممنوع باشد و ممنوع را نرسد که دعوی قربت کند. [صفحه ۳۳۹] و یکی از خواص محمد بن علی الباقر علیه السلام روایت کند که: چون از شب لختی بشدی و وی از اوراد فارغ گشتی آواز بلند برآوردی و گفتی: الهی و سیدی شب اندر آمد و ولایت تصرف ملوک بسر آمد

و ستارگان بر آسمان هویدا شدند و خلق جمله بخفتند و صورت مردمان بیارامید و چشمشان بخفت و مردمان از در خلق رمیدند و بنوامیه درهای خود را بستند و پاسبان بر گماشتند و آنان که بدیشان حاجتی داشتند حاجات خود فرو گذاشتند بار خدایا تو زنده و پاینده و بیننده و داننده ای، غنودن و خواب بر تو روا نیست و آن که تو را بدین صفت نشناسد به هیچ نعمت سزا نیست. ای آن که چیزی تو را از چیز دیگر باز ندارد. و شب و روز اندر لقای تو خلل نیارد، درهای رحمت تو گشاده است بر آن که تو را دعا کند و خزینهایت به جمله صرف آن است که بر تو ثنا گوید، تو آن خداوندی که رد سائل بر تو روا نباشد آن که دعا کند از مؤمنان و بر درگاهت سائل را بازدارنده ی نیست و نباشد از خلق زمین و آسمان. بار خدایا چون مرگ و گور و حساب را یاد کنم چگونه دل را به دنیا شاد کنم؟ و چون نامه را یاد کنم چگونه با چیزی از دنیا قرار گیرم؟ و چون ملك الموت را یاد کنم چگونه از دنیا بهره پذیرم؟ پس از تو خواهم از آنچه تو را دانم و از تو جویم از آنچه تو را می خوانم راحتی اندر حال مرگ بی عذاب، و عیش اندر حال حساب بی عقاب. این جمله می گفتی و گریستی تا شبی وی را گفتم: یا سیدی و سید آبائی چند گوئی و تا کی خروش کنی؟ فرمود: ای دوست، یعقوب را یک یوسف گم شد، چندان بگریست که چشمهای مبارکش

سفید گشت و من هیجده کس را با جد خود حسین علی و قتیلان کربلا علیهم السلام گم کرده ام که از آن باری نباشم که اندر فراق ایشان چشمها سفید کنم و السلام و الاکرام. و از آن حضرت کرامات بسیار و خرق عادات بی شمار در کتب معتبر مذکور و مسطور است از آن جمله ابوبصیر روایت می کند که نزد ابی جعفر [صفحه ۳۴۰] امام محمد باقر علیه السلام شدم و گفتم: شمائید وارثان رسول خدا؟ گفت: آری. گفتم: اکنون شما قادرید بر آن که مردگان را زنده کنید و آن که داء برص را بسازید؟ گفت: آری به فرمان خدای تعالی. آن که مرا گفت: به نزدیک من آی یا ابامحمد نزدیک وی شدم دست به روی و چشم من مالید، چشم روشن گشت چنان که آفتاب بدیدم و زمین و خانه ها و هر چه در آن خانه بود بدیدم. آن که مرا گفت: دوست می داری که همچنین باشی و تو را باشد آنچه مردمان را بود و بر تو بود آنچه برایشان بود روز قیامت، یا همچنان کوری که بودی و تو را بود بهشت خالص؟ گفتم: همچنان شوم که بودم. وی دست بر چشم بسود همچنان شدم که بودم. صاحب «روضات الجنان» پس از ذکر چند کرامت از آن حضرت، در پایان می نویسد: «کرامات و خرق عادات آن حضرت زیاده از آن است که در حیز تحریر و تقریر گنجد بدین قدر اختصار کرد» [۱۷] .

پاورقی

[۱] مرآه الجنان، ج ۱، ص ۲۴۸ - تذکره الخواص، ص ۳۳۷، طبع نجف.

[۲] منهاج السنه النبویه، ج ۲، ص ۱۲۳ - طبع مصر، سال ۱۳۲۱.

[۳] و

فيات الأعيان، ج ۳، ص ۳۱۴، ش ۵۳۲.

[۴] تذکره الأولياء، ج ۲، ص ۲۸۵ - ۶.

[۵] مرآه الجنان، ج ۱، ص ۲۴۷.

[۶] الصواعق المحرقه، ص ۱۲۰.

[۷] اخبار الدول، ص ۱۱۱.

[۸] شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۴۹.

[۹] جريده الأهرام المصريه، مورخ، ۱۸ / ۸ / ۱۹۷۸، ص ۱۰.

[۱۰] مجله الازهر، ج ۵، عام ۱۳۵۸ ه ق.

[۱۱] حياه الحيوان، ج ۱، ص ۱۳۵.

[۱۲] کتاب جعفر بن الامام الصادق، ص ۲۱، طبع مصر، سال ۱۳۸۴.

[۱۳] وسيله الخادم الى المخدوم، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

[۱۴] وسيله الخادم الى المخدوم، ص ۱۸۶ و ۱۸۷.

[۱۵] صحيح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۰ و ۱۹۶ - شرح النووى، طبع بيروت، ۱۴۰۷ ه ق.

[۱۶] وسيله الخادم الى المخدوم، ص ۱۹۱ - ۱۸۵.

[۱۷] روضات الجنان، روضه ى هشتم، ج ۲، ص ۴۰۶ - ۴۰۲.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹